



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 امارت اسلامی افغانستان
 وزارت ارشاد، حج و اوقاف
 ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد
 موضوع خطابت روز جمعه و تقریر و بیان
 تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات
 به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۸/رمضان المبارک ۱۴۴۶ هـ، ق مطابق ۸/حمل ۱۴۰۴ هـ، ش

**جلوگیری از رواج های نادرست در جامعه، و تشریح فرمان امیر المؤمنین حفظه
 الله در همین مورد**

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ)، وأشهد أن لا إله إلا الله شهادة حق نَسَأَلُهُ عَلَيْهَا الثَّبَاتُ، فِي الْحَيَاةِ وَعِنْدَ الْمَمَاتِ، وَنَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَصَفِيُّهُ مِنْ خَلْقِهِ وَخَلِيلُهُ، بَعَثَهُ بَعْدَ دُرُوسِ السُّبُلِ، وَطُمُوسِ الْمَلَلِ، وَفِتْرَةِ مِنَ الرُّسُلِ؛ رَحْمَةً لْجَمِيعِ الْكَائِنَاتِ، وَأَرْسَلَهُ بِالْهَدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى سَائِرِ الدِّيَانَاتِ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ، وَبَرَاهِينَ نِيرَاتٍ؛ عَصْمَةً وَنَجَاةً، وَدَسْتُورًا لِلْحَيَاةِ، مَنْ سَارَ عَلَى دَرَبِهِ فَازَ بِالْجَنَّاتِ، وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ هَدْيِهِ مُنِيَ بِالْحَسْرَاتِ، وَطُرِحَ فِي الدَّرَكَاتِ.

وَصَلَوَاتُ رَبِّي وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَهْلِ الْفَضْلِ وَالْمَكْرَمَاتِ، وَمَنْ تَبِعَهُ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ تُبْدَلُ الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتِ، أَمَا بَعْدُ:

قال الله سبحانه وتعالى في مُحكم كتابه: { وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ } { الأنعام: (۱۵۳) }

حضار گرامی و شنوندگان محترم !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

کامیابی، نجات و نیکبختی دنیا و آخرت ما و شما در پیروی از شریعت است، پس مناسب است که زندگی و تعاملات خانوادگی ما، خوشی و غم و غیره به شریعت اسلام برابر باشد.

بالای مسلمانان لازم است که زندگی شخصی و اجتماعی خود را به شریعت برابر کنند و در زندگی خود راهی را اختیار کنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب کرام و امامان دین آنرا اختیار کرده بودند.

برما لازم است که خود را به شریعت اسلام و شریعت اسلام را در نفس خود حاکم کنیم طوری که الله تعالی فرموده است: { قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ } { الأنعام: ۱۶۳ }.

ترجمه: بگو یقیناً نماز من، عبادت من، زندگی من و مرگ من همه برای الله پروردگار جهانیان است، هیچ شریکی برای او نیست و به این توحید امر شده ام و من نخستین مسلمانم.

شریعت اسلام بخاطر این آمده است که ما برآن اعمال واقوال خود را میزان و سنجش کنیم، زیرا که شریعت اسلام از برای معرفت خوب و بد حیثیت ترازو را دارد و معیار از برای شناخت جائز و نا جائز است. اگر کدام عمل ما که به شریعت برابر باشد باید آنرا ادامه بدهیم و کدام عملیکه با شریعت در تضاد باشد از آن خود داری کنیم.

سعادت و نیکبختی و تمام خیر دنیا و آخرت در عملی کردن شریعت است و همه بدبختی ها و شرهای دنیا و آخرت در سرپیچی از شریعت است.

پس بر ما و شما لازم است که در هر بخش زندگی به شریعت گردن نهاده و آنرا بالای خود حاکم بگردانیم و آن رواج ها و عنعناتی که مخالف شریعت اند به جدیت از آن خود داری کنیم، زیرا که مصالح بندگان در شریعت منحصر است، درست آن است که شریعت آنرا درست شمرده باشد و قبیح آن است که در مقابل شریعت قرار داشته و اصل شرعی نداشته باشد. الله تعالی جل جلاله فرموده است: {وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ} [الحشر: ۷].

ترجمه: و آنچه که پیامبر به شما بدهد آنرا بگیریید و از آنچه که شما را از آن منع میکند اجتناب ورزید و از الله بترسید چون الله سخت عقوبت دهنده است.

امام مالک رحمه الله میگوید که سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم مانند کشتی نوح علیه السلام است، کسیکه در آن سوار شود نجات حاصل میکند و کسی که در آن سوار نشود هلاک میشود.

از همین جهت حضرت عمر رضی الله عنه خطاب به حجر الاسود گفت: (سوگند به الله که من از این جهت تورا بوسه میکنم که رسول الله صلی الله علیه وسلم تورا بوسه کرده است، اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم تورا بوسه نمی کرد من هیچ وقت تورا بوسه نمی کردم.

حافظ ابن حجر رحمه الله میگوید: که در کلام حضرت عمر رضی الله عنه این سخن نهفته است که در امورات دینی به شریعت تسلیم شدن مناسب است و از آنچه که معنای آن واضح نباشد در آن پیروی و اتباع از شریعت لازم است. و این یک قاعده بزرگ است در پیروی و اتباع از رسول الله صلی الله علیه وسلم. فتح الباری لابن حجر (۵/ ۲۵۵)

حضار محترم!

با تأسف فراوان باید بگویم که امروز در جامعه ما جای شریعت را رواج های ناپسند گرفته است و مردم به رواج های ناپسند آنقدر محکم پا بند اند. مانند: شریعت منزل و جای سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم را رواج ها و عنعنات گرفته است.

رواج های ناپسند حاکم در جامعه ما سبب شده است که در بین مردم بی اتفاقی و نفرت، بدبینی خانوادگی را به میان آورده است، رواج های ناپسند خانواده ها و دوستان را به عوض صله رحمی به دشمنی و بد بینی مبتلا کرده است. رواج های ناپسند زمینه رقابت های نا سالم را در بین مردم مساعد کرده است.

رواج های ناپسند در وقت شادی و غم تاوان ها و مصارف کمر شکن مالی را به مردم لازم کرده است.

در عروسی و خوشی ها به سبب رواج های ناپسند جوانان از عروسی محروم اند و دوشیزگان در خانه های پدر باز مانده اند.

به سبب رواج های ناپسند در عروسی ها جوانان بیشتر عمر خود را بخاطر بدست آوردن پول در کشور های خارجی سپری میکنند و هدف اساسی زندگی از آنها سلب شده است. که الله تعالی بخاطر آن هدف آنها را خلق کرده است.

رواج های ناپسند رابطه خوشی و خوشحالی را در بین زن و شوهر به بدبینی و نفرت تبدیل کرده است؛ زیرا که آن زنیکه بالای شوهر مانند: حیوان به یک قیمت گزاف فروخته شده است، که قرض های گران به شانه شوهر افتیده است و شوهر همیشه پریشان می باشد و در قلب شوهر نسبت به خانمش یک نوع نفرت پیدا میشود که در آینده در قلب او مقام و جایگاه بالایی نمیداشته باشد.

مبارزه در برابر رواج های ناپسند وظیفه ایمانی هر مسلمان است، تا اینکه از جامعه ما رواج های ناپسند و کارهای خلاف شریعت دور شود و جامعه ما از چنگال هر نوع طریقه و دستور های نادرست رهایی یابد.

اکنون که الله تعالی به این ملت ترحم خاص کرده است و امارت اسلامی در سراسر افغانستان حاکم است، و امارت اسلامی افغانستان به تمام مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ملت متوجه است، و در هر بخش خدماتهای بارزی را انجام داده و در هر بخش پالیسی های لازم و مناسبی را وضع کرده است که از جمله تلاش های آن، کوشش های خسته گی نا پذیر عالی قدر امیرالمؤمنین حفظه الله است که جناب ایشان به این تلاش اند که در افغانستان شریعت اسلام در زندگی مردم به طور واقعی پیاده شود و ملت خود را بسوی کامیابی سوق بدهد، تا اینکه سبب نیکبختی، سعادت، خوشحالی دنیا و آخرت ایشان بگردد و همیشه تلاش کرده اند که جامعه خود را از هر نوع رواج های ناپسند و سائر مشکلات ها نجات دهند و یک جامعه دین دوست را به وجود آرند.

از همین جهت عالیقدر امیرالمؤمنین شیخ القرآن والحديث مولوي هبة الله اخندزاده (حفظه الله تعالی و رعاه) بخاطر جلوگیری از رواج های ناپسند فرمان صادر کرده است که باید همه ملت از آن آگاه شود و به رواج های ناپسند و کارهای خلاف شرع در زندگی خود نقطه پایان بگذارد. و فرمان عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله در باره موضوعات ذیل صادر شده است:

موضوع اول: زیاده روی در مهرها کار خوب نیست، و مهر حق زن منکوحه است و به هیچ کسی دیگر خوردن آن درست نیست.

مقدمه:

در این شک نیست که ازدواج کردن از جمله ضروریت های زندگی یک ضرورت مهم است؛ زیرا که به ازدواج مصالح زیاد دین و دنیا وابسته است، به واسطه عروسی و ازدواج در میان مردم روابط دوستی محکم میشود و در بین زن و شوهر محبت پیدا میشود و سبب سکون یکدیگر میشوند. الله تعالی فرموده است: { وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ } [الروم ۲۱]

ترجمه: و از علامات قدرت الله این است که از جنس خودتان برای تان همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرام گیرید و در میان تان دوستی و مهربانی نهاده، البته در این نشانه هایی است برای قومی که می اندیشند.

به اثر ازدواج امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زیاد شده و نبی علیه السلام به نکاح و ازدواج ترغیب داده است، و به اثر نکاح مرد وزن شرمگاه های خود را حفاظت میکنند و واقعات بد اخلاقی در جامعه کم میشود و یا از بین میرود و به اثر ازدواج چشم مرد پائین میشود و به اثر نکاح مرد وزن صاحب عفت میشوند.

به اثر نکاح امور دینی و دنیوی مسلمان قوت پیدا میکند. از همین جهت در جاهای متعدد و نصوص مختلف به نکاح کردن امر کرده است و فقهاء رحمهم الله میگویند: نکاح در وقتی واجب میگردد که به انسان خطر وقوع زنا پیدا شود اما در افغانستان پیش روی نکاح و عروسی مشکلات ها و رواج های نا پسند موجود است مانند: مهریه کمر شکن، گزاف و طولیانه ها. و در مراسم شریعی خوری مقرر کردن مصارف گران مالی، بالای ناکح این همه سراسر اسراف و تبذیر اند. عنعنات و رواج های نا پسند سبب شده است که اکثر جوانان جامعه از نکاح محروم می مانند. که این کار سبب فساد های گوناگون میگردد و رواج های نا پسند چیزهای است که آنرا نه الله می پسندد و نه رسول و فرستاده او؛ بلکه حکم رسول الله صلی الله علیه و سلم این است که: «إِذَا جَاءَكُم مِّن تَرْضُون دِينَهِ وَخَلَقَهُ فَأَنْكِحُوهُ، إِلَّا تَفْعَلُوا تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ» أخرجه الترمذی وقال حدیث حسن، وابن ماجه والحاکم.

ترجمه: وقتی که به شما کسی بیاید جهت خواستگاری و شما از اخلاق و دین او راضی باشید پس به نکاح بدهید دختر و خواهر خود را اگر این کار را نکنید، پس در زمین فتنه و فساد واقع میشود.

در شریعت مردم به کم مقرر کردن مهر تشویق شده است و نبی علیه السلام میفرماید: «إِنَّ أَعْظَمَ النِّكَاحِ بَرَکَةٌ، أَيْسَرُهُ مَوْنَةٌ» [رواه أحمد والبیهقی فی شعب الإیمان].

مهریه های ازواج مطهرات و دختران رسول الله صلی الله علیه و سلم تقریباً از پنجصد درهم (نقره) پائین و بالا بود.

اگر در زیادت مهر کدام فضیلت می بود و یا مقام زن را بالا می برد، پس باید مهریه ازواج مطهرات و دختران رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت به همه زنان روی زمین بیشتر حقدار بودند که مهریه های ایشان باید زیاد می بود. باز هم نبی علیه السلام از برای زنها و دختران خود مهریه گرانی را مقرر نکرده است.

به همین اساس وقتی که مردم در زمان خلافت عمر فاروق رضی الله عنه مهریه های گران تعیین میکردند، او عزم کرد که اندازه مهریه هارا کم کند. و اینطور گفت: (أَلَا لَا تَغَالُوا بِصُدُقِ النِّسَاءِ فَإِنَّهَا لَوْ كَانَتْ مَكْرَمَةً فِي الدُّنْيَا أَوْ تَقْوَى عِنْدَ اللَّهِ لَكَانَ أَوْلَاكُمْ بِهَا النَّبِيُّ -صلى الله علیه وسلم- مَا أَصْدَقَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله علیه وسلم- امْرَأَةً مِنْ نِسَائِهِ وَلَا أَصْدَقَتْ امْرَأَةٌ مِنْ بَنَاتِهِ أَكْثَرَ مِنْ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً). سنن أبی داود-ن (۱۹۹/۲)

ترجمه: خبردار! در مهریه ها زیادت و غلو نکنید یقیناً اگر این زیادت در مهریه ها عزت دنیوی و کار تقوا نزد الله تعالی می بود، یقیناً نبی علیه السلام نسبت به شما خیلی لایق بود، اما نبی علیه السلام مهر نداده است به یکی از زنهاى خود و داده نشده است از برای دختران او مهر بیشتر از دوازده اوقیه.

علمای معاصر میگویند: که دوازده اوقیه چهار صد و هشتاد درهم (نقره) میشود که یک مقدار کم است.

بلکه نبی علیه الصلاة والسلام مقرر کردن مهر زیاد را بالاتر از توان اقتصادی ناکح مکروه شمرده است.

در یک حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ -صلى الله علیه وسلم- فَقَالَ إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ -صلى الله علیه وسلم- « هَلْ نَظَرْتُ إِلَيْهَا فَإِنَّ فِي عُيُونِ الْأَنْصَارِ شَيْئًا ». قَالَ قَدْ نَظَرْتُ إِلَيْهَا. قَالَ « عَلَى كَمْ تَزَوَّجْتَهَا ». قَالَ عَلَى أَرْبَعِ أَوْاقٍ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ -صلى الله علیه وسلم- « عَلَى أَرْبَعِ أَوْاقٍ كَأَنَّمَا تَتَّحِثُونَ الْفِضَّةَ مِنْ عَرْضِ هَذَا الْجَبَلِ؟ ». صحیح مسلم (۱۴۲/۴)

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است او میگوید که شخصی به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و برایش گفت: من با یک زنی از انصار ازدواج کرده ام نبی علیه السلام برایش گفت: آیا تو آن زن را دیده ای؟ یقیناً در چشمان انصاری ها یک چیزی است (کوچکی و دو رنگی) او گفت: بلی! آنرا دیده ام نبی علیه السلام برایش گفت: به چند نکاح کردی آن شخص در جواب گفت: به چهار اوقیه؟ نبی علیه السلام فرمود: گویا که شما نقره را از این دامنه این کوه میکنید (بدست می آورید)؟

امام نووی رحمه الله در اخیر این حدیث میگوید: (ومعنى هذا الكلام كراهة اكثار المهر بالنسبة إلى حال الزوج) شرح النووی علی مسلم (۹/ ۲۱۱). ترجمه: ومعنى این کلام این است که با نظر داشت حالت مالی شوهر مقرر کردن مهر زیاد را بد شمرده است. تعیین کردن مهر زیاد بغیر از اسراف و تکلیف دیگر چیزی نیست.

به اثر مهرها و مصارف زیاد ناکح و خاندان او قرض دار میشوند که آتش تلخ آن را منکوحه هم می چشد.

از طرف دیگر کسانی که در مقابل دختران و خواهران خود طویانه میگیرند حیثیت زن را آنقدر پائین میکنند که باز آن خاندان به نظر بد و حقارت او را مینگرند و شوهر که بخاطر خانم خود توانی شده است، همیشه با خانم خود در جنگ و جدال می باشد و زندگی شرین به زندگی تلخ بدل میشود.

طویانه گرفتن آنقدر گناه بزرگ است که علمای کرام آنرا (سُحْت) گفته اند. زیرا که در برابر دختر و خواهر پول گرفتن در حقیقت فروختن یک انسان مسلمان آزاد بوده و این یک گناه کبیره است.

در یک حدیث قدسی آمده است: عن أبي هريرة رضي الله عنه، عن النبي -صلى الله عليه وسلم- قال: (قَالَ اللهُ تَعَالَى: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ أُعْطِيَ بِي ثُمَّ عَدَرَ ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا، فَاسْتَوْفَى مِنْهُ، وَلَمْ يُعْطِهِ أَجْرَهُ). رواه البخاري

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود؛ که الله تعالی فرموده است: من در روز قیامت با سه شخص جنگ (دست به گریبان) میشوم

یکی آن شخصیکه به نام من به دشمن امان بدهد و سپس در آن خیانت کند؛ دیگر کسیکه انسان آزاد را به فروش رسانده و پول آن را بخورد. و دیگر کسیکه شخصی را به مزدوری بگیرد و از او کار میخواهد اما مزد او را نمی دهد.

در مقابل دختر پول گرفتن کار حرام است. علامه ابن عابدین رح میگوید: (وَمِنْ السُّحْتِ : مَا يَأْخُذُهُ الصَّهْرُ مِنَ الْخَتَنِ بِسَبَبِ بَنْتِهِ بِطَيْبِ نَفْسِهِ). رد المحتار

ترجمه: از جمله مال حرام (خبیث) آن مالی است که خسر از داماد میگیرد به خوشی به سبب دختر خود.

کسیکه از خانواده داماد پول میگیرد این از دو حالت خالی نمی باشد یا به نام مهر میگیرد که این تنها حق خالص منکوحه است و بغیر از اجازه منکوحه برای هیچ کس جائز نیست که آن مهر را بگیرد و به جیب خود بیندازد و یا به نام دختر خود بگیرد که این همه پول حرام اند.

محترم شیخ الحدیث دوکتور مولوی نور محمد (ثاقب) حفظه الله در جواب یک سوال نوشته است: (آن مقدار مهریکه از طرف زن بالای شوهر لازم میشود بغیر از آن چیزی دیگری خواستن حرام ورشوت است. [بدر الفتاوی]

همچنان به اساس رسم و رواج مصارف مختلف را بالای ناکح مقرر کردن کار ناروا است، زیرا که خوردن مال یک مسلمان بدون رضایت او عمل حرام است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: عن أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «لا يحل مال امرئ مسلم إلا بطيب نفسه». سنن الدارقطني (۳/۲۶)

ترجمه: از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت است او میگوید که یقیناً رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: حلال نیست مال یک شخص مسلمان مگر به رضایت قلبی او.

از این که زیادت درمهرها کار خوب نیست، در این ارتباط فرمان عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله قرار ذیل صراحت دارد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد المرسلين و على آله و أصحابه أجمعين.

دین الله تعالی که خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به انسانها رسانده و بیان کرده است، هر نوع نیکبختی، آسایش و خوشی دنیا و آخرت در آن نهفته است که با عملی کردن آن، یقیناً تمام مشکلات انسانها حل و در هر مرحله زندگی از سهولت های بی نظیر بهره مند می باشند، الله تعالی دین خود را دوست دارد و از روی مهربانی بندگان خویش را به تفکر، تدبیر و عملی کردن آن دعوت نموده است و جهت عملی کردن دین در تمام عرصه های زندگی، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را الگو قرار داده است و هرآنچه که نبی صلی الله علیه وسلم به امت عرضه کرده است، به عملی کردن و هرآنچه که از آن منع کرده است به اجتناب از آن، حکم نموده است. چنانچه الله جل جلاله در آیات ذیل فرموده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ (الأحزاب: ۲۱)

ترجمه: به تحقیق برای شما اقتداء در [روش و رفتار] رسول الله الگوی نیکویی است (تفسیر کابلی)

همچنان الله جل جلاله فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (الحشر، آیت: ۷).

ترجمه: و آنچه که داده به شما رسول (الله)، پس بگیرید آنرا؛ و آنچه که منع می کند شما را (رسول الله) از آن، پس بازایستید (طلبش نکنید). (تفسیر کابلی)

دیگر اینکه؛ هر آنچه که در دین نباشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم آنرا مردود و باطل گردانیده است. چنانچه از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرًا فَهُوَ رَدٌّ^(۱).

^۱ - رواه مسلم في صحيحه، د حديث شمبهه (۳۲۴۳)، قال أهل اللغة: الرد هنا بمعنى المردود: أي فهو باطل غير معتد به وهذا الحديث قاعدة عظيمة من قواعد الدين وهو من جوامع الكلم التي أوتيتها المصطفى صلى الله عليه وسلم فإنه صريح في رد كل بدعة وكل مخترع، وهو صريحة في ترك كل محدثة سواء أحدثها فاعلمها أو

ترجمه: کسیکه یک عملی را انجام داد که در دین ما نباشد، آن مردود و باطل است.

از حضرت شعبی رحمه الله روایت است که حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه فرموده است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ رُدُّوا الْجَهْلَاتِ إِلَى السَّنَةِ (۲).

ترجمه: ای مردم! طُرق جاهلانه (خلاف سنت) را به سنت برگردانید (تلاش اصلاح آنرا کنی).^۲

با توجه به آیات، حدیث شریف و اثر مبارک فوق، امارت اسلامی می‌خواهد که در تمام عرصه‌های زندگی طُرق خلاف سنت را به سنت برگرداند، بناءً اینکه؛ نکاح (عروسی کردن) سنت است؛ اما متأسفانه در جامعه ما رواج نادرست و زیان‌آور با این عمل شرعی و مسنون به حدی آمیخته شده است که مردم را نه تنها از لحاظ دنیوی با زیان‌های مالی کمرشکن مواجه کرده، بلکه از لحاظ دینی نیز منکرات زیاد در آن انجام می‌شود که به هدف اصلاح و جلوگیری، چند مورد آن در اینجا ذکر می‌گردد:

زیادت در مهرها کار شایسته نیست:

شریعت، در عروسی‌ها به آسانی و اجتناب از مصارف گزاف ترغیب می‌کند.

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّكَاحِ بَرَكَهَ أَيْسَرَهُ مَوْنَهُ».^۳

ترجمه: به تحقیق، با برکت‌ترین نکاح آن است که هزینه‌اش کم باشد.

در حدیث شریف دیگر می‌آید: تَيَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ، إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطَى الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةً (۴) "...

ترجمه: با یکدیگر در مهر آسانی کنید (یعنی مهر کم تعیین نمایید)؛ زیرا گاهی مرد به زن آن قدر مهر میدهد که به سبب آن در دلش با آن زن کینه (نفرت) پیدا می‌گردد.

حضرت عمر رضی الله عنه فرموده است: لَا لَا تَتَّالُوا صَدَقَةَ النِّسَاءِ، فَإِنَّهَا لَوْ كَانَتْ مَكْرَمَةً فِي الدُّنْيَا، أَوْ تَقْوَى عِنْدَ اللَّهِ لَكَانَ أَوْلَاكُمْ بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (۵).

ترجمه: آگاه باشید! مهرهای زنان را بسیار زیاد نسازید؛ زیرا اگر زیادت مهر، عزت دنیوی یا تقوی در نزد الله عزوجل می‌بود، پس نبی صلی الله علیه وسلم بیشتر از شما مستحق آن بود.

سبق إليها، وهذا الحديث مما ينبغي حفظه وإشاعته واستعماله في إبطال المنكرات فإنه يتناول ذلك كله. شرح النووي على صحيح مسلم (١٨/٤)، ط: دارالكتاب العربي، بيروت لبنان.

۲ - رواه البيهقي في السنن الكبرى، مسلسله شميره (١٥٣٢٢).

۳ - مسند أحمد (٧٥ / ٤١) رقم الحديث (٢٤٥٢٩)، مسند الصديقة عائشة بنت الصديق رضي الله عنها.

۴ - مصنف عبد الرزاق الصنعاني (١٧٤ / ٦)، رقم الحديث (٨٩٣٠١).

۵ - صحيح سنن أبي داود، باب الصداق، برقم: (٤٣٨١).

با استدلال از احادیث مبارک متذکره و برخی احادیث دیگر، فقهای کرام رحمه الله تعالی علیهم تخفیف در مهر را مسنون و مرغوب دانسته اند^(۶).

مهر، حق زن منکوحه است و استفاده از آن به هیچ شخصی صحیح نیست.

مهر حق زن است و هیچ شخصی حق ندارد که آنرا بدون رضایت وی مصرف کند، حتی اینکه فقهاء رحمهم الله تعالی می گویند: پدران و پدرکلان‌هایی که مهر دختران یا نواسه‌ها را مصرف می کنند، آنان غاصب و ضامن مهر میباشند؛ در صورتی که پدر و پدرکلان با استفاده از مهر غاصب شمرده شوند، پس به برادر، کاکا و دیگر خویشاوندان قطعاً هیچ راه وجود ندارد که مهرهای خواهران، برادرزاده‌ها و یا دختران خویشاوند دیگری را استفاده نمایند یا آنرا بدون رضایت آنان مصرف کنند.^(۷)

پدران و خویشاوندان اگر از استفاده مهر منع شوند، مهرها خود به خود کاهش می‌یابند؛ زیرا امروزه پول زیاد به نام مهر گرفته می‌شود، مگر پدر یا خویشاوندان دیگر از آن استفاده می کنند و پول بسیار کم را به نام مهر به زنان می دهند.

بنائاً تعدادی از رواج‌هایی که علاوه بر منع شرعی و اسراف، باعث مشکلات اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی به سطح بلند شده اند، که از طرف هیئت مشترک متشکل از علمای کرام مجالس فقهی مربوط دارالافتای امارت اسلامی افغانستان، شیوخ عظام معتبر افغانستان، اعضای محترم کمیسیون اقتصادی و نمایندگان وزارت‌ها و ادارات ذیربط امارتی تشخیص شد که در مورد آن مراتب ذیل را منظور می‌دارم:

^۶ - ولكن یسن تخفیف الصداق وعدم المغالاة فی المهور، لقوله صلى الله عليه وسلم: «إن أعظم النكاح بركة أيسره مؤونة» وفي رواية «إن أعظم النساء بركة أيسرهن صداقاً» وروى أبو داود وصححه الحاكم عن عقبه بن عامر حديث: «خير الصداق أيسره». والحكمة من منع المغالاة في المهور واضحة وهي تيسير الزواج للشباب، حتى لا ينصرفوا عنه، فتقع مفساد خلقية واجتماعية متعددة، وقد ورد في خطاب عمر السابق: «وإن الرجل ليغلي بصدقة امرأته حتى يكون لها عداوة في قلبه. الفقه الاسلامي وادلتها (٦٧٦٤/٩) دار الفكر - سورية - دمشق

^۷ - فَحَاصِلُهُ أَنَّ فِي الْمَهْرِ حَقَّوَقًا ثَلَاثَةً أَحَدُهَا حَقُّ الشَّرْعِ وَهُوَ أَنْ لَا يَكُونَ أَقَلُّ مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ أَوْ مَا يُسَاوِيهَا ، وَالثَّانِي حَقُّ الْأَوْلِيَاءِ وَهُوَ أَنْ لَا يَكُونَ أَقَلُّ مِنْ مَهْرِ الْمِثْلِ ، وَالثَّلَاثُ حَقُّ الْمَرْأَةِ وَهُوَ كَوْنُهُ مِلْكًا لَهَا ، ثُمَّ حَقُّ الشَّرْعِ وَالْأَوْلِيَاءِ مُرَاعَى وَقَتِ الثُّبُوتِ فَقَطُّ فَلَا حَقَّ لَهَا خَالَةَ الْبَقَاءِ. البحر الرائق (١٤٤ /٣)
- (المادة ٩٧): لَا يَجُوزُ لِأَخِيذٍ أَنْ يَأْخُذَ مَالَ أَحَدٍ بِلا سَبَبٍ شَرْعِيٍّ. مجلة الأحكام العدلية (ص: ٢٧)-نعم إن كان الأب يأكل مهور البنات كالفلاحين والأعراب فالقول بتضمينه إذا مات مجهلاً ظاهر؛ لأنه غاصب من أول الأمر؛ لأنه إنما قبض المهر لنفسه لا لبنته فليكن التعويل على هذا التفصيل والله تعالى أعلم. تنقيح الفتاوى الحامدية (١٧٧ /٥)

-إذا كان الأب ممن يأكل مهور البنات كالفلاحين والأعراب، فالقول بتضمينه إذا مات مجهلاً ظاهر لانه غاصب من أول الامر، لانه إنما قبض المهر لنفسه لا لبنته، فليكن التعويل على هذا التفصيل ومثله الجد كما مر ٥١. تكلمة حاشية رد المحتار (٤٨٢ /٢)
وَإِنَّمَا يَمْلِكُ الْأَبُ قَبْضَ الصَّدَاقِ بَرِيضًا دَلَالَةً فَيَبْرَأُ الزَّوْجَ بِالذَّفْعِ إِلَيْهِ وَلِهَذَا لَا يَمْلِكُ مَعَ نَهْيِهَا وَالْجَدُّ كَالأَبِ كَمَا فِي الْخَانِيَّةِ.... بِخِلَافِ سَائِرِ الْأَوْلِيَاءِ لَيْسَ لَهُمْ حَقُّ قَبْضِ مَهْرِهَا بِدُونِ أَمْرِهَا لِأَنَّهُ مَعْبَرٌ. البحر الرائق (١١٨ /٣)

ماده اول:

(۱) ولی دختر بالغ که اکثر اوقات پدر یا برادر وی می باشد، شرعاً مکلف است، حقوق شرعی وی را رعایت نماید.

(۲) ولی دختر بالغ شرعاً مسئولیت دارد، در نامزد کردنش با وی مشوره کند و نظر مثبت وی را بگیرد.

(۳) ولی دختر بالغ شرعاً نمی تواند، بدون رضایتش وی را به اجبار به کسی به نکاح بدهد.

(۴) (هرگاه ولی دختر بالغ، دختر مذکور را بدون رضایت وی به اجبار به شخصی به نکاح بدهد، وی می تواند به محاکم و ادارات مربوط شکایت و عریضه کند، در این صورت، رعایت فرمان شماره (۸۳ج ۱) مؤرخ (۱۴۴۳/۴/۲۷ هـ.ق) عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی ضروری است.

(۵) (زن از نظر اسلام در موضوع نکاح کردن مانند مرد مستقل است، به هیچ صورت مال کسی نمی گردد و بعد از فوت شوهر خود یا طلاق، بدون رضایت و مشوره وی، خانواده خسر و یا هم خانواده پدر نمی تواند وی را به زور به شخص دیگری به نکاح بدهد، وی با رضایت خود در جایی و با هر شخصی که بخواهد، مطابق اصول شرعی نکاح کرده می تواند.

(۶) (مهری که در نکاح به زن داده می شود، حق زن است و شخصی نمی تواند آنرا از وی بگیرد، در این مورد رعایت فرمان شماره (۸۳ج ۱) مؤرخ (۱۴۴۳/۴/۱) هـ.ق) عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی ضروری است.

(۷) (هرگاه شخصی بر دختر یا زنی فیر کند یا کاکل وی را قطع کند و یا بالای وی چادر بیندازد، با این و یا طریقه دیگر جبراً وی را خانم خود بپندارد، این عمل غیرشرعی و جرم است، چنین اشخاص به محاکم امارت اسلامی معرفی شوند تا به سزای جرم خویش برسند^(۸)).

(۸) (نامزدی که در آن عقد (ایجاب و قبول) در حضور شاهدان صورت نگرفته باشد، شرعاً نکاح محسوب نمی شود.

(۹) (در شریعت اسلامی، اندازه کم مهر ده درهم و اندازه زیاد آن حد ندارد، اگر زن راضی باشد، با ده درهم یا با مال معادل آن نیز نکاح صورت می گیرد، اگر رضایت وی نباشد، پس به جز از پدر یا پدرکلان دلسوز و خیرخواه، خویشاوندان دیگر و یا پدر و پدرکلان بد اختیار نمی توانند که به مهر کمتر از اندازه مهر مثل نکاح وی را عقد نمایند و اگر به اندازه کمتر از مهر مثل نکاح وی را عقد کرده باشند، چنین نکاح صحیح نیست؛ مهر حق زن است، خویشاوندان برای خود هیچ پولی را نه طلب و نه اخذ کرده می توانند^(۹)).

^۸ - دلته باید سزا و تاکل شی.

^۹ - (وَإِنْ كَانَ الْمَرْجُوعَ غَيْرَهُمَا) أَي غَيْرِ الْأَبِ وَأَبِيهِ وَلَوْ الْأُمُّ أَوْ الْقَاضِي... (لَا يَصِحُّ) النِّكَاحُ (مِنْ غَيْرِ كُفَيْهِ أَوْ بَعِينٍ فَاحِشٍ أَصْلًا) وَمَا فِي صَدْرِ الشَّرِيعَةِ صَحٌّ وَلَهُمَا فَسْخُوهُ وَهَمٌّ (وَإِنْ كَانَ مِنْ كُفَيْهِ وَبِمَهْرٍ الْمِثْلِ صَحٌّ) (لَهُمَا) أَي لَصَغِيرٍ وَصَغِيرَةٍ وَمُلْحَقٍ بِهِمَا (خِيَارُ الْفَسْخِ) وَلَوْ بَعْدَ الدُّخُولِ (بِالْبُلُوغِ أَوْ الْعِلْمِ بِالنِّكَاحِ بَعْدَهُ) لِقُصُورِ الشَّقَقَةِ. الدر المختار شرح تنوير الأبصار وجامع البحار (ص: ۱۸۴)

- لَكِنَّ الْمَفْتَى بِهِ الْآنَ بَطْلَانُهُ كَالصَّغِيرَةِ الَّتِي زَوَّجَهَا غَيْرُ الْأَبِ وَالْجَدِّ غَيْرِ كُفَيْهِ أَوْ بِدُونِ مَهْرٍ الْمِثْلِ. حاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱۸۶/۱۳)
- وَلَوْ أَكْرَهَتْ عَلَى أَنْ تَزَوَّجَتْهُ بِالْفِ، وَمَهْرٌ مِثْلُهَا عَشْرَةُ آلَافٍ زَوَّجَهَا أَوْلِيَائُهَا مُكْرَهِينَ فَالنِّكَاحُ جَازٌ وَيَقُولُ الْقَاضِي لِلزَّوْجِ: إِنَّ سِتًّا أَتَمِّمَ لَهَا مَهْرَ مِثْلِهَا وَهِيَ أَمْرُكَ إِنْ كَانَ كُفُوًا لَهَا، وَإِلَّا فَرَّقْ بَيْنَهُمَا وَلَا شَيْءَ لَهَا إِلَّا خَفَّ فَمَهُمْ. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۲۳۲/۹)

(۱۰) (شریعت اسلامی، به کم کردن مهر ترغیب کرده است؛ مردم سعی کنند که رواج گرفتن مهر زیاد را ختم نمایند و به مهر کم اکتفاء کنند).

(۱۱) (علاوه بر مهر، اخذ پول به نام ولور، غذا(اشیاء و اجناس خوراکی که یک یا دو روز قبل از عروسی، داماد به خانه عروس می برد)، باببری(اضافه ستانی از مهر تعیین شده)، طویانه و خوبی(مصرف عروسی) از طرف خانواده خسر و یا به نام رواج های دیگر جایز نیست، فقهای کرام رحمهم الله آنرا رشوت محسوب می نمایند(۱۰)).

(۱۲) (بعد از نامزدی، برگزاری مهمانی ها پایوازی و شیرینی خوری (دستمال کلان) و یا به نام های دیگر، رواج های بی جا است از آن اجتناب شود، اجازه دوبار بردن دستمال (دستمال کلان) نیست و در یکبار دستمال (دستمال خرد) تعداد مهمانان مرد و زن نیز به اندازه کم باشد و تحفه دادن به جز از داماد و عروس به شخص دیگری در این مراسم، منع است؛ البته تحایف به داماد و عروس نیز مطابق توان؛ فقط لباس و اشیای عادی زینت و آرایش باشد؛ موتر، موترسایکل، خانه (منزل) و سایر اشیای قیمتی در تحفه داده نمی شود

(۱۳) (مراسم دستمال در هتل نباشد؛ زیرا این اسراف است و الله تعالی فرموده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (الاعراف: آیت ۳۱).

ترجمه: ای فرزندان آدم! بگیریید شما زینت (زیبایی) خود را هنگام هر نماز (به پوشیدن لباس پاک، ستر عورت و بخورید و بنوشید و اسراف (مصرف بی جا) نکنید، بدون شک الله مسرفان (اسراف کنندگان) را دوست نمی دارد. (تفسیر کابلی

(۱۴) (بعد از نامزدی و نکاح، سعی شود که در صورت امکان هرچه زودتر، عروسی صورت گیرد.

(۱۵) (بعد از نامزدی، پوشاک (لباس های) رواجی و تکراری منع است، یکبار در سال اجازه بردن یک جوهر (لباس) فقط به عروس از طرف داماد مطابق توان بدون اسراف می باشد، بردن پوشاک (لباس ها) از طرف عروس به داماد مطلقاً منع است.

(۱۶) (مراسم ولیمه و عروسی بدون اسراف و ریاء، مطابق با توان داماد و در مکان و موترهای دلخواه وی برگزار شود، خانواده عروس نمی تواند داماد را مجبور کند که مراسم عروسی را در هتل یا موترهای قیمتی برگزار نماید.

(۱۷) (داماد مراسم عروسی را در موترهای امارتی برگزار نکند.

(۱۸) (هنگام عروسی، از طرف داماد به خانواده عروس خوراکی یا طوی (خوراک پخته یا خام) برده نمی شود، همچنین طلب و اخذ مصارف شیرینی خوری و پوشاک منع است، همچنان طلب رخت ها به نام دودی و چادر و یا با سایر نام ها از داماد منع است بر اساس شریعت اخذ اشیای متذکره عمل ناجائز است(۱۱)).

-نَمَ إِذَا كَانَ مَتَهَتَكَ لَا يَنْفَعُ تَرْوِيحُهُ إِيَّاهَا بِنَقْصِ عَن مَهْرِ الْمِثْلِ وَمِنْ غَيْرِ كُفٍّ. حاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۹/۳۴۳)

۱۰ - وَمِنْ السُّخْتِ : مَا يَأْخُذُهُ الصَّهْرُ مِنَ الْخَتَنِ بِسَبَبِ بِنْتِهِ بِطَيْبِ نَفْسِهِ حَتَّى لَوْ كَانَ يَطْلُبُهُ يَرْجِعُ الْخَتَنُ بِهِ مُجْتَبَى. رد المحتار (۲۷/۹۹)
(أَخَذَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ شَيْئًا عِنْدَ التَّسْلِيمِ فَلِلزَّوْجِ أَنْ يَسْتَرِدَّهُ) لِأَنَّهُ رِشْوَةٌ. (قَوْلُهُ عِنْدَ التَّسْلِيمِ) أَي بَانَ أَبِي أَنْ يُسَلِّمَهَا أَخْوَهَا أَوْ نَحْوَهُ حَتَّى يَأْخُذَ شَيْئًا، وَكَذَا لَوْ أَبِي أَنْ يُزَوِّجَهَا فَلِلزَّوْجِ الْإِسْتِرْدَادُ قَائِمًا أَوْ هَالِكًا لِأَنَّهُ رِشْوَةٌ. الدر المختار (۳/۱۷۰) و رد المحتار (۱۰/۱۶۶) دار الفکر بیروت
۱۱ - وَمِنْ السُّخْتِ : مَا يَأْخُذُهُ الصَّهْرُ مِنَ الْخَتَنِ بِسَبَبِ بِنْتِهِ بِطَيْبِ نَفْسِهِ حَتَّى لَوْ كَانَ يَطْلُبُهُ يَرْجِعُ الْخَتَنُ بِهِ مُجْتَبَى. رد المحتار (۲۷/۹۹)

۱۹) (حین انتقال عروس، طلب پول از طرف مامای عروس، هم‌سالان عروس، اهالی قریه و یا خدمتکار دیگری و یا برای آنان از خانواده داماد، منع است، البته اگر شخصی به نام صدقه به رضایت خود به خدمتکار قریه که همیشه در خوشی‌ها خدمت اهالی قریه را می‌نماید، باکی ندارد)^(۱۲).

۲۰) (برگزاری مسابقاتی در عروسی که به برنده آن موتر، موترسایکل یا چیز دیگری انعام داده می‌شود، منع است، تا از اسراف بیجا جلوگیری شود، البته مسابقات بازی‌های جایز که در آن انعام نباشد، برگزار شده می‌تواند).

۲۱) (فیرکردن (تیراندازی) و استفاده وسایط امارتی حین مراسم نامزدی، دستمال یا عروسی منع است؛ همچنان، تیزرانی موترها و موترسایکل‌ها، آماده کردن کاروان‌های بزرگ و یا این چنین اعمالی که سبب مسدودیت راه یا تلفات و یا اذیت مردم می‌شود، منع می‌باشد).

۲۲) (در عروسی یا بعد از آن، رونمایی (لباس/پول) دادن از طرف مردان و زنان خانواده‌های دیگر به عروس و سپس از طرف عروس در عوض آن، رونمایی دادن منع است؛ زیرا از این رواج ناپسند تکلیف سنگین به وجود آمده و بدتر اینکه عوض هر شی را دوباره می‌دهند که به جای محبت، نفرت ایجاد می‌کند).

۲۳) (در مراسم دستمال، به جز از خانواده داماد مهمانان دیگر، به عروس تحفه پول ندهند و نه خانواده عروس به مهمانان لباس‌ها و تحایف دیگر بدهند، البته اکرام مهمانان بدون اسراف و ریاء پروا ندارد).

۲۴) (بدل عواقب خوبی ندارد و حتی الامکان از آن اجتناب شود، در صورت بدل، تعیین و پرداخت مهر ضروری است، علمای کرام در مورد کراهیت بدل به مردم آگاهی بدهند)^(۱۳).

نکات قابل رعایت در مراسم مُرده‌داری:

ماده دوم:

۱) (در بعضی مناطق از طرف خانواده متوفی به اهالی قریه و مردم دیگر در روزهای معین طعام و مهمانی ترتیب داده می‌شود که فقهای کرام از آن منع نموده‌اند، در این مورد چند قول فقهای کرام قرار ذیل است:

(أَخَذَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ شَيْئًا عِنْدَ التَّسْلِيمِ فَلِلزَّوْجِ أَنْ يَسْتَرِدَّهُ) لِأَنَّهُ رِشْوَةٌ . (قَوْلُهُ عِنْدَ التَّسْلِيمِ) أَيُّ يَأْتِي أَنْ يُسَلِّمَهَا أَخُوها أَوْ نَحْوَهُ حَتَّى يَأْخُذَ شَيْئًا ، وَكَذَا لَوْ أَبَى أَنْ يُزَوِّجَهَا فَلِلزَّوْجِ الْإِسْتِرْدَادُ قَائِمًا أَوْ هَالِكًا لِأَنَّهُ رِشْوَةٌ . الدر المختار (۳/ ۱۷۰) و رد المحتار (۱۰/ ۱۶۶) دار الفکر-بیروت

^{۱۲} مِنَ السُّخْتِ : مَا يَأْخُذُهُ الصَّهْرُ مِنَ الْخَتَنِ بِسَبَبِ بَنْتِهِ بِطَيْبِ نَفْسِهِ حَتَّى لَوْ كَانَ بِطَلْبِهِ يَرْجِعُ الْخَتَنُ بِهِ مُجْتَبَى . رد المحتار (۲۷/ ۹۹)

(أَخَذَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ شَيْئًا عِنْدَ التَّسْلِيمِ فَلِلزَّوْجِ أَنْ يَسْتَرِدَّهُ) لِأَنَّهُ رِشْوَةٌ . (قَوْلُهُ عِنْدَ التَّسْلِيمِ) أَيُّ يَأْتِي أَنْ يُسَلِّمَهَا أَخُوها أَوْ نَحْوَهُ حَتَّى يَأْخُذَ شَيْئًا ، وَكَذَا لَوْ أَبَى أَنْ يُزَوِّجَهَا فَلِلزَّوْجِ الْإِسْتِرْدَادُ قَائِمًا أَوْ هَالِكًا لِأَنَّهُ رِشْوَةٌ . الدر المختار (۳/ ۱۷۰) و رد المحتار (۱۰/ ۱۶۶) دار الفکر-بیروت

^{۱۳} - (وَوَجِبَ مَهْرُ الْمِثْلِ فِي الشَّعَارِ) هُوَ أَنْ يُزَوِّجَهُ بِنْتَهُ عَلَى أَنْ يُزَوِّجَهُ الْآخَرَ بِنْتَهُ أَوْ أُخْتَهُ مَثَلًا مَعَاوِضَةً بِالْعَقْدَيْنِ وَهُوَ مِنْهِيَ عَنْهُ لِحُلُوهُ عَنِ الْمَهْرِ ، فَأَوْجِبْنَا فِيهِ مَهْرَ الْمِثْلِ فَلَمْ يَبْقَ شَعَارًا . وقال الشامي : وَحَاصِلُهُ أَنَّهُ مَعَ إِجْبَابِ مَهْرِ الْمِثْلِ لَمْ يَبْقَ شَعَارًا حَقِيقَةً ، وَإِنْ سَلَّمَ فَالْتَّهْمُ عَلَى مَعْنَى الْكِرَاهَةِ ، فَيَكُونُ الشَّرْعُ أَوْجِبَ فِيهِ أَمْرَيْنِ الْكِرَاهَةَ وَمَهْرَ الْمِثْلِ ، فَالْأَوَّلُ مَأْخُودٌ مِنَ النَّهْيِ ، وَالثَّانِي مِنَ الْأَدِلَّةِ الدَّالَّةِ عَلَى أَنَّ مَا سُمِّيَ فِيهِ مَا لَا يَصْلُحُ مَهْرًا يَنْعَقِدُ مُوجِبًا لِمَهْرِ الْمِثْلِ ، وَهَذَا الثَّانِي دَلِيلٌ عَلَى حَمْلِ النَّهْيِ عَلَى الْكِرَاهَةِ دُونَ الْفَسَادِ ، وَبِهَذَا التَّقْرِيرِ انْدَفَعَ مَا أُورِدَ مِنْ أَنَّ حَمْلَهُ عَلَى الْكِرَاهَةِ يَقْتَضِي أَنَّ الشَّعَارَ الْآنَ غَيْرُ مِنْهِيَ عَنْهُ لِإِجْبَابِنَا فِيهِ مَهْرَ الْمِثْلِ . الدر المختار مع رد المحتار (۱۰/ ۱۲۰-۱۲) فاذا وقع النكاح على هذا الوجه فالنكاح جائز ، ولكل واحدة منهما مهر مثلها ان دخل بها . ولا يحل له فرجها بغير مهر . الاصل للشيباني ط:

قطر، (۱۰/ ۲۵۶)

-ترتيب مهماني به مردم از طرف خانواده متوفى به مناسبت مرده داری، مکروه است؛ زیرا مهماني در خوشی ها می باشد، نه در غم ها، این بسیار بدعت ناپسند است (آماده کردن مهماني در روز غم به مردم، زیرا که این در شریعت اصل ندارد و دیگر اینکه این روزها از خود ترتیبات و مکلفیت ها دارد)^(۱۴).

-آماده کردن غذا به مردم جمع شده از طرف خانواده متوفى به مناسبت مرده داری گناه است؛ جریر بن عبد الله رضی الله عنه می فرماید: جمع شدن خویشاوندان در خانه متوفى و ترتیب دادن غذا از طرف آنها را ما نیاحت می پنداشتیم؛^(۱۵)

یعنی ماتم (چینج و فریاد) را که ممنوع و بد می شمردیم، این را نیز بد می شمردیم (حال آنکه نیاحت و ماتم گناه کبیره است)^(۱۶).

آماده کردن غذا به مردم از طرف خانواده متوفى مکروه است، زیرا با این، مصیبت آنها بیشتر می شود و دیگر اینکه با مردم زمانه جاهلیت مشابهت می آید^(۱۷).

-خیرات های رواجی برای مشهور ساختن خود و ریاء می باشد، آنرا به خاطر الله تعالی نمی کنند، به همین سبب باید از آن اجتناب شود^(۱۸).

-اگر خیرات رواجی مباح هم شود، به سبب اینکه مردم آنرا به مرتبه واجب رسانیده، مکروه و ترک آن ضرور است^(۱۹).

^{۱۴} ویکره اتخاذ الضیافة من الطعام من أهل الميت، لأنه شرع في السرور لا في الشور، وهي بدعة مستقبحة. الدر المختار مع حاشية رد المحتار (۲/ ۲۶۰) کذا في شرح فتح القدير (۲/ ۱۴۲)، و حاشية الطحطاوي على المراقي (ص: ۴۰۹)

^{۱۵} - روى الإمام أحمد وابن ماجه بإسناد صحيح عن جرير بن عبد الله قال: « كنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعهم الطعام من النياحة ». الدر المختار مع حاشية رد المحتار (۲/ ۲۶۱)، مطلب فى الثواب على المصيبة. كذا فى الفقه على المذاهب الاربعه (۱/ ۴۹۰).

^{۱۶} - عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ. سنن أبى داود- (۳/ ۱۶۲)، والبيهقي في السنن الكبرى (۴/ ۶۳) قال الامام الذهبي: الكبيرة التاسعة والأربعون: اللطم والنياحة و شق الثوب و حلق الرأس و نتفه و الدعاء بالويل و الثبور عند المصيبة رويها في صحيح البخاري عن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ليس منا من لطم الخدود و شق الجيوب و دعا بدعوى الجاهلية... عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: اثنتان في الناس هما بهم كفر: «الطنع في الأنساب و النياحة على الميت» رواه مسلم و عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: «لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم النائحة و المستمعة» رواه ابوداود. الكبائر للذهبي (ص: ۱۸۳)

^{۱۷} - وَرُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، أَنَّهُ قَالَ: فَمَا زِلْتُ السُّنَّةَ فِينَا، حَتَّى تَرَكَهَا مَنْ تَرَكَهَا. فَأَمَّا صُنْعُ أَهْلِ الْمَيْتِ طَعَامًا لِلنَّاسِ، فَمَكْرُوهٌ؛ لِأَنَّ فِيهِ زِيَادَةً عَلَى مُصِيبَتِهِمْ، وَشَغْلًا لَهُمْ إِلَى شُغْلِهِمْ، وَتَشْبِيهًا بِصُنْعِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ. المغني لابن قدامة (۲/ ۴۱۰). مكتبة القاهرة

^{۱۸} - وهذه الأفعال كلها للسمعة والرياء فيحترز عنها لانهم لا يريدون بها وجه الله تعالى. حاشية رد المحتار (۲/ ۲۶۱)

^{۱۹} - كُلُّ مَبَاحٍ يُؤَدِّي إِلَى زَعْمِ الْجُهَالِ سُنِّيَّةٌ أَمْرٌ أَوْ وَجُوبُهُ فَهُوَ مَكْرُوهٌ. العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية (۷/ ۴۳۰)

-قال ابن المنير فيه أن المنذوبات قد تقلب مكروهات إذا رفعت عن رتبته لأن التيامن مستحب في كل شيء أي من أمور العبادة لكن لما خشى بن مسعود أن يعتقدوا وجوبه أشار إلى كراهته والله أعلم. فتح الباري لابن حجر (۲/ ۳۳۸)،

قال الطيبي وفيه أن من أصر على أمر مندوب وجعله عزمًا ولم يعمل بالرخصة فقد أصاب منه الشيطان من الإضلال فكيف من أصر على بدعة أو منكر. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح (۲/ ۷۵۵)

با توجه به دلایل متذکره شرعی فوق و همچنان سایر زیان های متعدد اجتماعی، شرعی و اقتصادی ایجاد شونده، عملی نمودن نکات ذیل ضروری است:

۱) (آماده کردن طعام (در روز اول، سوم، هفتم و چهلم)، از طرف خانواده متوفی از روی رواج مانند بدرقه (خیرات روزهای اولین متوفی) و مهمانی، منع می‌باشد،^(۲۰) صدقه دادن مال نقد یا جنس که شکل مهمانی را نداشته باشد و بدون تعیین روز که شرایط ذیل در آن نیز رعایت شده باشد، سبب ثواب به متوفی است:

۱- صدقه به سبب ریاء، شهرت، سیالی، رواج و طعنه مردم نباشد.

۲- صدقه و خیرات واجب و ضروری شمرده نشود، هرگاه کسی آن را انجام نداد به وی به چشم بد دیده نشود.

۳- تنها وارثان عاقل و بالغ از مال خود به رضایت خود صدقه و خیرات کرده می‌توانند، مال یتیم و وارث غیرحاضر در آن مصرف نشود.

۲) (صدقه و خیرات کردن از مال یتیم برای متوفی، اگرچه به اجازه یتیم باشد، منع است، شخصی که در مال یتیم چنین تصرف نماید، ضمان بر وی لازم است.

۳) (در بعضی مناطق، مردم از روی رواج جهت تعزیت، در عید اول متوفی به خانه متوفی می‌روند، این نیز رواج نادرست و منع است.

۴) (در بعضی مناطق رواج است که زن بعد از وفات باید ضرور به حضیره پدری اش انتقال یابد و عدم انتقال وی برای تمام قوم ننگ شمرده می‌شود، که این کدام حیثیت شرعی ندارد، بلکه بهتر است که در حضیره مورد نظر شوهر و اولاد وی دفن کرده شود.

۵) (آماده کردن طعام به خانه متوفی از طرف همسایگان و خویشاوندان، عمل مستحب است.

۶) (تعزیت از سوی شریعت مطهره به شمول روز تدفین، سه روز تعیین شده است، البته به اشخاص غائب، بعد از آن نیز اجازه تعزیت وجود دارد.

۷) (بعد از یکبار فاتحه، دوباره رفتن به خانه متوفی به نیت فاتحه مکروه است.

۸) (مسئولین امارتی فاتحه اقارب متوفای خود را اعلان نمایند، بدون اعلان، فقط به مدت سه روز در محل اقامت خود برای فاتحه حضور داشته باشند.

۹) (حیله اسقاط برای متوفایی انجام می‌شود که فقیر یا مالدار باشد، مگر بدون وصیت وفات کرده باشد، یا وصیت نیز کرده باشد؛ مگر سوم حصه مال او برای فدیة واجب کفایت نکند، اگر متوفی ثروت مند باشد و وصیت کرده باشد، بر ولی او واجب است که فدیة واجب او را از سوم حصه مال اداء نماید و تنها به حیله اسقاط اکتفاء نکند، البته طریقه حیله مطابق شرایطی باشد که در فقه حنفی از آن ذکر شده است.

^{۲۰} -۱۱۱ فی حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح (ص: ۴۰۹) فصل فی حملها و دفنها. ط، الامیریة القاہرہ. یکره اتخاذ الطعام فی الیوم الأول والثالث وبعد الأسبوع ونقل الطعام إلى المقبرة فی المواسم. کذا فی رد المحتار (۲/۲۴۰). مطلب فی کراهة الضیافة من اهل المیت.

۱- مال جمع‌آوری شده برای حیلۀ اسقاط جهت قبض تنها به مساکین داده می‌شود، به غنی، طفل، دیوانه، سفیه (بی‌عقل) و کافر داده نمی‌شود^(۲۱).

۲- حیلۀ اسقاط به خاطر رواج و خودنمایی نمی‌شود، بلکه به این نیت صورت گیرد که ذمه متوفی خلاص شود^(۲۲).

۳- ورثه متوفی برای حیلۀ از شخصی پول یا جنس دیگری قرض نگیرند، که خودش مالک آن نباشد و نه از شریکی قرض بگیرند که شریک دیگرش اجازه نداده باشد^(۲۳).

۴- گرداننده فدیۀ باید وارث متوفی یا وکیل وارث باشد و به وکیل گفته شود که بعد از ختم هر دوره، برای هر دوره بعدی در دادن مال به فقیر و پس گرفتن، دوباره وکیل من هستی^(۲۴).

۵- نمازها و روزه‌های قضاء شده متوفی باید دقیق حساب شود و اگر دقیق معلوم نباشد، پس به گمان غالب حساب گردد^(۲۵).

۶- هنگام دادن فدیۀ به فقیر نیت این باشد که فقیر مالک این پول و اشیاء می‌گردد^(۲۶).

۷- فقیر به این آگاه باشد یا شخصی وی را بفهماند که با قبض کردن، مالک آن می‌گردد^(۲۷).

۸- شخصی که فدیۀ را می‌گرداند و آنرا به فقیر می‌دهد، باید دست‌های خود را از آن دور کند و در دوباره گرفتن از وی، عجله نکند^(۲۸).

۹- گرداننده فدیۀ به فقیر چنین الفاظ را بگوید: این فدیۀ نماز، روزه، قسم یا... فلانی که پسر فلانی است، می‌باشد، آن را قبول کن، او بگوید: قبول کردم، من مالک آن شدم، سپس دوباره آن را به شخص مذکور هبه کند^(۲۹).

۲۱- ۱۱۱/۱) و يجب الاحتراز أيضاً عن احضار قاصر او معتوه او رقيق او مبر... او كافر. كذا في منحة الخالق على هامش البحر الرائق (۱۶۰/۲) ط: دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان.

۲۲- ۱۱۱/۱) حاشية الطحاوي على مراقبي الفلاح شرح نور الايضاح (ص: ۴۳۹): (ويعطيه للفقير بقصد اسقاط ما يريد عن الميت، وكذا في منهاج السنن شرح الترمذي: ج ۴، ص: ۲۵ و مجموعة الرسائل لابن عابدين.

۲۳- ۱۱۱/۱) في مجموعة الرسائل لابن عابدين (ص: ۲۲۵/۱): ويجب الاحتراز أيضاً عن جمع الصرة واستيهابها أو استقراضها من غير مالکها أو من أحد الشريكين بدون اذن الآخر.

۲۴- ۱۱۱/۱) في مجموعة الرسائل لابن عابدين (ص: ۲۲۱/۱): اللهم الا أن يوكله وكالة دورية كلما عزل فهو وكيله في الدور... ويجب أن يحترز أن يديرها أجنبي الا بوكالة كما ذكرنا.

۲۵- ۱۱۱/۱) في الدر المختار وحاشية ابن عابدين حاشية رد المحتار (۲/۷۳): والاقرب أن يحسب ما على الميت ويستقرض بقدره، بأن يقدر عن كل شهر أو سنة أو يحسب مدة عمره بعد إسقاط اثنتي عشرة سنة للذكر وتسع سنين للإثني لانهما أقل مدة بلوغهما.

۲۶- ۱۱۱/۱) في مجموعة الرسائل لابن عابدين (ص: ۲۲۱/۱): اللهم الا أن يوكله وكالة دورية كلما عزل فهو وكيله في الدور... ويجب أن يحترز أن يديرها أجنبي الا بوكالة كما ذكرنا.

۲۷- ۱۱۱/۱) في مجموعة الرسائل لابن عابدين (ص: ۲۲۵/۱): ويجب الاحتراز عن أن يلاحظ الوصي عند دفع الصرة للفقير الهزأ والحيلة بل يجب أن يدفعها عازماً على تملكها منه حقيقة لا تحيلاً.

۲۸- ۱۱۱/۱) في مجموعة الرسائل لابن عابدين (ص: ۲۱۲/۱): ويقبلها الفقير، ويقبضها، ويعلم أنها صارت ملكاً له.

۲۹- ۱۱۱/۱) في مجموعة الرسائل لابن عابدين (ص: ۲۲۵/۱): ويجب الاحتراز عن الاسراع بالقبول قبل تمام الايجاب. فلا يقول الفقير قبلت الا بعد تمام كلام الوصي ولا يقول الوصي قبلت الا بعد تمام كلام الفقير. كذا في منهاج السنن شرح الترمذي (ص: ۲۵/۴). كذا في منحة الخالق على هامش البحر الرائق (۱۶۰/۲) دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان.

۱۰- حيله كنندگان بعد از دوره از ناراض شدن فقير خودداري كنند، اگر مال از حيله كنندگان باشد، آنقدر مال را صدقه بدهند كه فقير بر آن خوشحال شود^(۳۰).

۱۱- هرگاه در ماه‌هاي حج حيله انجام شود، اين در نظر گرفته شود كه آنقدر پول يكجا به فقير داده نشود كه حج بر وي فرض شود.

۱۲- اگر متوفي وصيت نكرده باشد، ولي وي از مال به رضايت وارثان، هنگامي چيزي به فقير داده مي‌تواند كه در بين وارثان وي غائب و صغير نباشد و اگر وصيت کرده باشد، پس از سوم حصه مال ميت مال داده مي‌تواند، گرچه در بين وارثان، غائب يا يتيم نيز باشد^(۳۱).

موضوع سوم: جلوگیری از رواج های نادرست هنگام بازگشت از حج و عمره:

مقدمه:

با تأسف فراوان عبادات ما هم مملو از رواج های نادرست است كه از يك طرف مصارف بيجا و از طرف ديگر رياء كاري صورت ميگيرد كه رقابت های ناسالم سبب اين رواج ها گرديده است.

بعضی مردم وقتیکه از حج ویا عمره باز میگردند؛ بخواهند یا نخواهند؟ توان دارند یا ندارند؛ به اساس رواج حاکم در جامعه باید خیرات کند، مردم را تحفه بدهد، وقتیکه از تمام مصارف فارغ شد؛ و مصارفات خود را محاسبه کرد، سپس به مردم میگوید اینقدر تاوانی شدم ، آنگاه خود را ملامت میکند.

عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله بخاطر جلوگیری از همین مشکلات اجتماعی در بخشی از فرمان خود چنین احکامی را صادر نموده اند:

اجتناب از مصارفات بیجا، غیر ضروری و رواج های نادرست حین برگشت از سفر حج و عمره:

ماده سوم:

ترتیب مهمانی و خیرات بزرگ به مردم محل و مهمانان آمده و دعوت شده هنگام بازگشت از حج و عمره در بعضی مناطق به مناسبت مبارکی و خوش آمدید و همچنان اعطای تحفه‌های قیمتی به مردم، رواج ضروری گردیده است كه از يك طرف حیثیت شرعی ندارد و از طرف ديگر به علت مصرف گزاف سبب محرومیت و یا تأخیر بسیاری از مردم از حج و عمره گردیده است، از همین رو، باید تمام حجاج و معتمرین از مصارف مذکور و رواج‌های زیان‌بار اجتناب نمایند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته!

امیر المؤمنین شیخ القرآن والحديث

مولوی هبه الله اخندزاده

^{۳۰} - لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (۲۲۵/۱) : ويجب أن يحتزرن كسر خاطر الفقير بعد ذلك بل يرضيه بما تطيب به نفسه. وكذا في منحة الخالق على البحر الرائق لابن عابدين (۱۶۰/۲).

^{۳۱} - لما في منهاج السنن شرح الترمذي: (۲۶-۲۵/۴) : ويجب أن لا يكون في الورثة يتيم ولا غائب اذا لم يوص. كذا في منحة الخالق على البحر الرائق لابن عابدين (۱۶۰/۲). دارالكتب العلمية ، بيروت ، لبنان.